

ریشه‌یابی الگوی معماری مسجد کبود تبریز

محسن دهقانی تفتی*

زهرا السادات مدرس‌زاده**

غلامحسین معماریان***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

چکیده

مسجد کبود تبریز یکی از آثار باارزش معماری ایران است که از گذشته تاکنون، مورد توجه مورخان، سیاحان و پژوهشگران معماری متعددی قرار گرفته است. در این راستا، مطالعات فراوانی درباره تاریخ و ریشه الگوی معماری مسجد کبود و عناصر و جزئیات آن، با رویکردها و روش‌های مختلف انجام پذیرفته و برخی نتایج متضاد و پرابهام به دست آمده است؛ به‌نحوی که عده‌ای کلیت فرمی بنای کبود تبریز را وارداتی و متأثر از معماری مساجد گونه بوسا در عثمانی و عده‌ای دیگر آن را در تداوم تجربیات معماری ایرانی می‌دانند. با نگاهی اجمالی به این یافته‌ها، لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر برای یافتن ریشه الگوی معماری مسجد کبود تبریز در کلیت و اجزایش، به چشم می‌آید. بدین منظور، نوشتار حاضر با روش تفسیری تاریخی، نخست به مطالعه تاریخ بستر و کشف و تحلیل نیروهای متفاوت اثرگذار پیدا و پنهان بر فرم معماری مسجد کبود تبریز پرداخته و در ادامه در یک تحلیل معماری، جایگاه الگوی ساخت بنای کبود تبریز و میزان سختیت آن در تناسب با زنجیره تداومی معماری ایرانی و معماری مساجد عثمانی گونه بوسا را تعیین کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند در دوران جهان‌شاه و پیش از او، ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای بین دولت عثمانی و قراقویونلوها وجود داشته، اما در موضوع معماری، تأثیر یک‌طرفه هنرمندان، معماران و کاشی‌کاران ایرانی بر معماری عثمانی مشهود است. بنای کبود تبریز که یک مسجد متصل به آرامگاه است، در حس فضا، کارکرد، کارشیو، سازه، نما و تزیینات، ریشه کاملاً ایرانی دارد و از جنبه الگوی ساخت، در تداوم گسترش بناهای گنبدخانه‌ای ایرانی شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها:

مسجد کبود تبریز، الگوی معماری، معماری ایرانی، معماری عثمانی، تصوف شیعی.

* دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

** کارشناسی‌ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

*** استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نویسنده مسئول، memarian@iust.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. مسجد کبود تبریز در چگونه جغرافیای سیاسی، حاکمیتی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است؟
۲. الگوی ساخت مسجد کبود تبریز، ریشه در فرهنگ و تجربیات معماری کدام منطقه دارد؟ معماری ایرانی یا عثمانی؟
۳. جایگاه الگوی ساخت مسجد کبود تبریز در کلیت و اجزایش، در گستره معماری سرزمینی‌اش کجاست؟

مقدمه

تاکنون پژوهشگران و مورخان معماری زیادی، مسجد کبود تبریز را بررسی کرده و هر کدام به روشی متفاوت، به روشن ساختن بخشی از نادانسته‌ها درباره ریشه‌های الگویی و سبکی این بنای بارزش تاریخی در معماری ایران پرداخته‌اند. در یک جمع‌بندی، نظریات موجود به دو دسته مجزا تفکیک پذیرند:

دسته اول بر این باورند که تشابه انکارناپذیری بین مسجد کبود تبریز و مساجد گونه بوسا^۱ (دارای پلان با شکل T معکوس) در منطقه عثمانی وجود داشته و الگوبرداری و تأثیرپذیری عمیق مسجد کبود را امری بدیهی و یقینی می‌دانند. برای نمونه، سلطان‌زاده (۱۳۷۶، ۱۶۷) می‌نویسد: «نکته بسیار مهم در زمینه طرح معماری این مسجد، با وجود آنکه طراحی و تزیینات آن برگرفته از هنرهای تزیینی ایران است، به نقشه آن مربوط می‌شود که از لحاظ خصوصیات طراحی، ایرانی نبوده و اقتباسی از گونه‌ای مساجد عثمانی است.» در مقاله‌ای که به تازگی کبیرصابر، مظاهریان، و پیروی (۱۳۹۳، ۵) با آگاهی از پژوهش‌های مورخان پیشین انجام داده‌اند، اقتباس مسجد کبود از معماری عثمانی، با نگاهی تعدیل‌شده‌تر از سلطان‌زاده بیان می‌شود؛ آن‌ها معتقدند: «شیوه معماری این بنا اگرچه باب جدیدی در طراحی مسجد در معماری ایران گشود، لکن نتوانست اشتیاق و رغبت معماران بعدی را برای تکرار و تکمیل فرم آن برانگیزد؛ لذا اندیشه به کاررفته در آفرینش معماری مسجد کبود تبریز، همچون تک‌ستاره‌ای بود که برای یک بار درخشید و سپس خاموش شد.» آن‌ها در ادامه، اقتباس فرمی بنای مسجد کبود تبریز از آثار معماری عثمانی را تأیید می‌کنند و نقش معماران ایرانی را در تعدیل و تغییراتی در فرم وارداتی این مسجد مؤثر می‌دانند؛ به نحوی که در نهایت، محصولی با سیمای معماری ایرانی ایجاد شده است.

دسته دوم از پژوهشگران معتقدند الگو و فرم مسجد کبود تبریز بدون هیچ‌گونه وابستگی به مساجد و ابنیه عثمانی واقع در شهر بوسا و هر جای دیگر از منطقه آناتولی، ریشه در معماری منطقه ایران دارد. هیلن برن (۱۳۹۱، ۱۰۴) فرم معماری مسجد کبود را تکامل تجربیات معماری دوره تیموری و همچنین نتیجه تداوم تجربیات معماری خراسان می‌داند و می‌نویسد: «باشکوه‌تر از همه (بناهای دوره تیموری)، مسجد کبود تبریز است که در آن، فکری مشابه با مسجد شاه مشهد و با بیانی کامل‌تر، به واسطه تنظیم باز فضای مرکزی ارائه شده است.» حتی برخی فراتر از این ادعا رفته و معمار مسجد شاه مشهد را همان کسی می‌دانند که نقشه مسجد کبود را طراحی کرده و همچنین با معماری و طراحی مسجد سبز^۲ (مسجد یشیل جامع) در بوسا نیز آشنایی و ارتباط داشته است (بلر و بلوم ۱۳۸۲، ۷۹؛ ویلبر و گلمبک ۱۳۷۴، ۵۸۴-۵۸۵). ذکاء (۱۳۶۸، ۱۸۳-۱۸۵) نیز فرم معماری مسجد کبود را برآمده از مراودات فرهنگی و اجتماعی بین ایران و آناتولی در قرن نهم هجری دانسته و گمان برده است نقشه معماری یشیل جامع در خاک ترکیه، اقتباسی از مسجد کبود باشد. البته برخلاف ادعای ذکاء که مسجد یشیل جامع را اقتباسی از مسجد کبود تبریز می‌داند، باید گفت این مسجد حدوداً در سال ۸۲۲ق ساخته شده (گودوین ۱۳۸۸، ۸۱) و نمی‌توانسته اقتباسی از مسجد کبود (۸۷۰ق) باشد.

پیرنیا (۱۳۸۳، ۲۶۶) نیز با قبول وجود شباهت اندک بین پلان و نمای مسجد کبود با طرح و نمای خارجی برخی از مساجد سرپوشیده اولیه عثمانی در شهر بوسا، این موضوع را دلیلی قاطع بر الگوبرداری از ابنیه عثمانی نمی‌داند و معتقد است همچنان تفاوت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد. او تهرانگ مسجد کبود تبریز که فاقد میان‌سراست، برگرفته از مسجد شاه ولی تفت دانسته و طرح مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان را نیز متأثر از همین مساجد می‌داند. پیرنیا ریشه

الگوی مسجد کبود تبریز را در معماری مناطق مرکزی ایران جست‌وجو کرده و این بنا را در دسته آثار با شیوه آذری در ساخت، قرار داده است.

در مجموع با مراجعه به یافته‌های پیشین، با ابهام‌ها و تضادهایی مواجه خواهیم شد که مستلزم پرداختن مجدد به این موضوع با رویکرد و روشی متفاوت است. در این پژوهش، برای یافتن ریشه الگوی معماری مسجد کبود تبریز، از یک سو تاریخ و جغرافیای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زمان و مکان ساخت اثر مورد توجه قرار گرفته و از سویی دیگر، جایگاه الگوی ساخت بنا، با نگاهی گسترده به معماری سرزمینی و زنجیره تداومی آن (معماریان ۱۳۸۴، ۱۳۵) تبیین می‌شود.

به‌طور کلی، فرم و قالبی که یک بنا در آن شکل می‌گیرد، محصول فرایندی است که به‌صورت پیدا و پنهان تحت تأثیر ایده‌ها و مفاهیم مختلف بوده و ریشه در گذشته دارد (Moudon 1997). از این رو درک، توصیف و توضیح فرم و فرایندهای توسعه و تغییر آن، تنها در بستری میان‌رشته‌ای و در طول زمان در تأثیر ملموس از نیروهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بستر شکل‌گیری محقق می‌شود (Kropf 2001). این نوع مواجهه، در مطالعه بناهای عمومی و مجموعه‌های تاریخی که محصول رابطه انسان و شهر در تناسب با نیروهای مختلف در طول زمان بوده و ارزش‌های موجود در زندگی بانیان آن را در خود حفظ می‌کند، بیشتر مورد تأکید است.

در این نوشتار، ابتدا با هدف شناخت جریان‌ها و نیروهای مذهبی، سیاسی، قومیتی و فرهنگی اثرگذار بر فرم مسجد کبود تبریز، یک پژوهش تاریخی مجزا صورت پذیرفت که نتایج آن به‌اجمال منعکس می‌گردد و در ادامه، معماری مسجد کبود تبریز (در کلیت و اجزایش) و میزان سنخیت آن با زنجیره تداومی مساجد عثمانی‌گونه بوسا و بناهای گنبدخانه‌ای در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. با کنار هم گذاشتن نتایج حاصل از این دو بخش، می‌توان به پاسخی مناسب برای پرسش اصلی پژوهش دست یافت.

۱. تاریخ و جغرافیای بستر در زمان شکل‌گیری مسجد کبود تبریز؛ خلاصه‌ای از یافته‌ها

مسجد کبود تبریز یا مسجد مظفریه^۴ (گوی مسجد) از جمله بناهایی است که در دوران حکومت جهانشاه قراقویونلو و به همت همسرش خاتون جان بیگم در سال ۸۷۰ق در مجموعه مظفریه ساخته شده است (کربلایی تبریزی ۱۳۴۴، ج. ۱: ۵۲). در دوران حکمرانی جهانشاه بر منطقه تبریز و بعد از آن، پادشاهی بر ایران، دو دولت قدرتمند عثمانی و تیموری و قبایل ترکمن آق‌قویونلو در همسایگی با قلمرو جهانشاه حضور داشتند. همه این اقوام به‌نوعی دارای ریشه‌های نسلی مشابه از دوران سلجوقی بوده و مبدأ نسبی خود را از اوغوزخان، فرزند قره‌خان، برمی‌گیرند (سومر ۱۳۹۰؛ نجف‌لو ۱۳۹۰، ۱۷-۴۰؛ باسورث ۱۳۸۱، ۵۲۲). علاوه بر شناخت دولت‌های مستقر در محدوده و بستر زمانی مورد مطالعه (از ترکستان تا آناتولی غربی در قرن هشتم و نهم هجری)، یکی از موضوعات تعیین‌کننده در سرنوشت و ادامه حیات دولت‌های در منطقه، نوع رابطه حاکمان با جریان‌های تصوف بوده است. جریان‌های تصوف با رنگ و بوی مذهبی و عرفانی، موفق به ایجاد پایگاه‌های قوی و پرشمار اجتماعی شده بودند. از این رو به نظر می‌رسد با پرداختن به موضوعاتی نظیر «سرگذشت زندگی جهانشاه و همسرش خاتون جان بیگم به‌عنوان بانیان مسجد و مجموعه مظفریه تبریز»، «سطح روابط سیاسی و فرهنگی جهانشاه قراقویونلو با دولت‌های همجوار و جریان‌های تصوف در منطقه» و «رسوم و فرهنگ مشترک (به‌خصوص در معماری) ترکان عثمانی، ترکان تیموری و ترکمن‌های قراقویونلو»، بتوان به دانش نسبی از بستر زمانی و مکانی که مسجد کبود در آن شکل گرفته است، دست یافت.

۱.۱. سرگذشت زندگی جهانشاه و همسرش خاتون جان بیگم

جهانشاه قراقویونلو (۷۹۹-۸۷۲ق)، فرزند قرايوسف و برادرزاده گوهرشاد بیگم (طهرانی ۱۳۵۶، ۲۹۶)، حکمران منطقه‌ای آذربایجان و شهر تبریز در دوران پادشاهی شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰ق) بوده که در طول فرمانروایی خود با حرکت‌ها و نهضت‌های مذهبی، اجتماعی و سیاسی مختلفی در منطقه مواجه شده است. از این رو چهره مذهبی جهانشاه نیز می‌بایست در پشت سیاست‌ها و جذب توده‌های اجتماعی مختلف به کار می‌آمد.

جهانشاه به لحاظ شخصی، تمایل بیشتری به گونه‌ای از تصوف شیعی داشت (شاهمرادی و منتظرالقائم ۱۳۹۲، ۴۹؛ میرجعفری ۱۳۸۴، ۲۶۲-۲۶۳) و در حکمرانی، از هرگونه تفاسیر سیاسی و فلسفی رادیکال و افراطی حذر کرد. کشتار جمعی پیروان حروفیه در تبریز (۸۴۵ق) با اعتقادات التقاطی و غلوآمیز و همچنین اخراج شیخ جنید صفوی (پدر شیخ حیدر صفوی و پدر بزرگ شاه اسماعیل) از اردبیل و خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی که مروج تفکرات شیعه غالی^۵ بود و واگذار کردن تولیت آن آستان به عمومش، شیخ جعفر الصدري صفوی (روملو ۱۳۴۹)، شواهدی بر این مدعاست. جهانشاه در ایام جوانی با خاتون جان بیگم ازدواج می‌کند. به گواهی تاریخ، همسر جهانشاه یکی از تأثیرگذارترین اشخاص بر زندگی سیاسی و اجتماعی وی است. یافته‌های تاریخی ما نشان می‌دهد علاوه بر خاتون جان بیگم که بانی مسجد کبود تبریز است، هر سه فرزند دختر جهانشاه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد آثار معماری و بناهای خانقاهی در ارتباط با تفکر تصوف شیعی در ایران داشته‌اند.

یکی از دختران جهانشاه، صالحه خاتون است که به عقد ازدواج قاسم، پسر شیخ جعفر صفوی، درمی‌آید (روملو ۱۳۴۹، ۴۰۷). شیخ جعفر صفوی و پسرش قاسم، در دوران حکومت قراقویونلوها به دلیل رابطه غیردوستانه جهانشاه با شیخ جنید صفوی که منجر به اخراج او از اردبیل شد، موقعیت مناسبی در آن منطقه نداشتند. در سال‌های بعد، در دوره حکومت آق‌قویونلوها نیز به دلیل دشمنی سلطان یعقوب آق‌قویونلو (۸۸۲-۸۹۶ق) با شیخ حیدر صفوی (همان، ۱۹۶۱-۶۱۵)، این موقعیت حفظ گردید. بدین واسطه صالحه خاتون، اجازه ساخت و تکمیل بناها و از جمله حمام مجموعه مظفریه را در دوره آق‌قویونلوهای سنی‌مذهب به دست می‌آورد (میبدی ۱۳۷۶، ۲۵۱-۲۵۲)؛ هر چند بانی اصلی مسجد و مجموعه مظفریه، خاتون جان بیگم است^۶ (کربلایی تبریزی ۱۳۴۴، ج. ۱: ۵۲۴).

دختر دیگر جهانشاه در سال ۸۵۱ق، به عقد سلطان محمد بن بایسنقر میرزا^۷ درآمد. این واقعه بعد از درگذشت شاهرخ تیموری و در جریان مصاف و مصالحه لشکریان سلطان محمد و جهانشاه و با وساطت گوهرشاد بیگم اتفاق افتاده است (خواندمیر ۱۳۳۳، ج. ۴: ۳۹-۴۰؛ سمرقندی ۱۳۷۲، ج. ۲: ۹۰۱؛ روملو ۱۳۴۹، ۲۷۷-۲۷۹؛ طهرانی ۱۳۵۶، ۲۹۷؛ کاتب ۱۳۵۷، ۲۲۳-۲۲۶). سلطان محمد، همانند جهانشاه دارای گرایش‌های صوفیانه و شیعی بوده و در دوران کوتاه حکومتش بر عراق عجم، مورد حمایت سادات حسینی و اکابر شهرها قرار می‌گیرد (براون ۱۳۳۵، ۶۶۰؛ کاتب ۱۳۵۷، ۲۱۶). او چندین بنای معماری و خانقاه در ارتباط با تفکر تصوف شیعی احداث کرده است (هنرفر ۱۳۶۳، ۵۰۶). وی در سال ۸۵۴ق، هرات پایتخت تیموریان و خراسان را به تصرف خود درمی‌آورد و در سال ۸۵۵ق در جنگ با برادرش میرزا بابر، کشته می‌شود (روملو ۱۳۴۹، ۳۰۴-۳۰۷؛ اسفزاری ۱۳۳۹، ج. ۲: ۱۵۵-۱۷۹؛ کاتب ۱۳۵۷، ۲۳۴؛ طهرانی ۱۳۵۶، ۳۲۴). سلطان محمد کمتر از یک سال (۸۵۳-۸۵۴ق) حاکم خراسان است؛ از این رو احتمال آن وجود دارد که پایه‌گذاری و شروع ساخت مسجد - آرامگاه شاه مشهد و صحن روبه‌روی آن، توسط سلطان محمد و همسرش در دوران کوتاهی که حاکم خراسان بودند، انجام شده باشد؛ گرچه سیدی (۱۳۷۸، ۷۲) نویسنده کتاب تاریخ شهر مشهد معتقد است این بنا توسط میرزا بابر یا یکی از امیرانش احداث شده است. این بنا به گمان پژوهشگران در ارتباط با تفکر تصوف شیعی و به‌عنوان مدفن یک شخصیت علوی شکل گرفته (اوکین ۱۳۸۶، ۴۱۹) و ترکیبی از نمازخانه خصوصی و آرامگاه است (میرزایی و خاقانی ۱۳۹۴، ۵۵). در کتیبه ضلع راست جدار مدخل اصلی، نام معمار بنا «احمد بن شمس‌الدین محمد تبریزی» و تاریخ اتمام ساخت بنا ۸۵۵ق ذکر شده است.

سومین دختر جهانشاه با یکی از نوادگان شاه نعمت‌الله ولی ازدواج می‌کند. پیش از آنکه منطقه یزد تحت فرماندهی قراقویونلوها (۸۵۷-۸۷۲ق) قرار گیرد، تعدادی از نوادگان شاه نعمت‌الله ولی از کشور هندوستان بازگشته و در خانقاهی که جد ایشان در ابتدای قرن نهم هجری در تفت ساخته بود، حضور داشتند. ذکر خصایل نیکو و ارادت مردم ایران به شاه نعمت‌الله ولی و فرزندانش که آن‌ها نیز دارای گرایش تصوف شیعی بودند (جعفریان ۱۳۸۵، ۸۳۴)، سبب شد تا جهانشاه دخترش «خانم» را به عقد شاه نعیم‌الدین نعمت‌الله ثانی درآورد (نهادندی ۱۳۱۰؛ مستوفی بافقی ۱۳۴۲، ج. ۳: ۵۱-۵۲). شاه نعیم و همسرش با حضور در خانقاه شاه ولی در تفت، بنای مسجد شاه ولی را می‌سازند^۸ (دهقانی تفتی و مردمی ۱۳۹۲، ۱۴۶-۱۵۵). ساخت این بنا بر اساس تاریخ موجود در کتیبه سنگی واقع

در محراب مسجد، سال ۸۷۳ق است. از این رو زمان اتمام ساخت مسجد شاه ولی تفت تقریباً سه سال بعد از ساخت مسجد کبود تبریز بوده است (همان جا).

جهانشاه در دهه آخر عمرش و در سال ۸۶۲ق، شهر هرات را به تصرف خود درآورد و در اولین قدم به زیارت مزار گوهرشاد بیگم، شاهرخ تیموری (خواندمیر ۱۳۳۳، ج ۴: ۷۵-۷۳؛ اسفزاری ۱۳۳۹، ج ۲: ۲۱۳-۲۲۲؛ طهرانی ۱۳۵۶، ۳۴۷-۳۶۱)، سلطان محمد و دخترش رفت. این آرامگاه که ساخت آن منتسب به قوام‌الدین شیرازی است، متصل به مدرسه بزرگ هرات بوده و در زمان حیات گوهرشاد بیگم ساخته شده است. هشت ماه حضور جهانشاه در شهر هرات که به همت شاهرخ تیموری و گوهرشاد بیگم و فرزندانشان (به‌خصوص میرزا بایسنقر) مهد هنر معماری، کاشی‌کاری، تذهیب، خطاطی و... شده بود، تأثیرات فراوانی بر وی گذاشت. در نهایت، جهانشاه در سال ۸۷۲ق به دست سپاهیان آق‌قویونلو و همسرش خاتون جان بیگم نیز در همان سال توسط حسعلی پسر جهانشاه کشته شدند (روملو ۱۳۳۹).

۲.۱. روابط سیاسی و فرهنگی جهانشاه قراقویونلو با دولت‌های هم‌جوار و جریان‌های تصوف در منطقه

جهانشاه مردی سیاست‌مدار بود و در دوران حکومتش کوشید تا از طرق مختلف، روابط دوستانه‌ای با همسایگانش داشته باشد. او که از ابتدا یکی از حاکمان منطقه‌ای شاهرخ تیموری و برادرزاده گوهرشاد بیگم بود، تا زمان حیات شاهرخ، هیچ‌گاه درصدد حمله به قلمرو وی برنیامد. در دوران جهانشاه و پدرش قرايوسف، هنرمندان، کاشی‌کاران و خطاطان بسیاری از تبریز، آزادانه به منطقه خراسان و هرات سفر می‌کردند. ملا آیت‌ی تبریزی، ظهیرالدین اظهر ملقب به استاد استادان، مولانا کمال‌الدین جعفر بن علی تبریزی معروف به هروی و جعفر بن جعفر تبریزی، تنها برخی از معروف‌ترین خوشنویسان و هنرمندان تبریزی بودند که در هرات به تحصیل و تدریس هنرشان پرداختند (مشکور ۱۳۵۲، ۷۵۳، ۷۶۵، ۷۸۹، ۷۹۰، ۸۰۰). جهانشاه توانست با همسایه غربی خود، دولت عثمانی و حاکمانش، سلطان مراد دوم و فرزندش سلطان محمد دوم، نیز روابط بسیار مناسبی برقرار کند (حسن‌زاده ۱۳۸۸، ۶۵-۶۶؛ نجف‌لو ۱۳۹۰، ۱۰۳-۱۱۸) که این روابط دوستانه می‌توانست چهار دلیل عمده داشته باشد:

الف. حضور و همسایگی با دولت تیموری و آق‌قویونلوها به‌عنوان خطری بالقوه و مشترک: عثمانی‌ها، آق‌قویونلوها، تیموریان و قراقویونلوها هریک در دوره‌های مختلف روابط پیچیده‌ای با یکدیگر داشتند و قراقویونلوها با واقع شدن در همسایگی با هر سه، همواره نقشی فعال در توازن و تعادل قدرت بازی می‌کردند (حسن‌زاده ۱۳۸۸، ۶۲). در دوران جهانشاه، نتیجه و برابند معادلات منطقه‌ای به سمتی رفت تا دولت قراقویونلو رابطه‌ای مناسب با حاکمان هم‌عصر خود در دولت عثمانی، یعنی سلطان مراد دوم (۸۲۴-۸۴۸ق) و سلطان محمد دوم (۸۴۸-۸۵۰ق) و (۸۵۶-۸۸۶ق) که هر دو علاقه فراوان به تصوف داشتند، برقرار سازد.

ب. داشتن ریشه‌های خاندانی و نسبی مشترک عثمانی‌ها و قراقویونلوها: عثمانی‌ها شاخه‌ای از ترکان اوغوز بودند که در اواخر امپراطوری سلجوقیان از ترکستان به آسیای صغیر کوچ کردند. قراقویونلوها نیز طایفه‌هایی ترکمن هستند که در سال ۵۹۹ق، تحت رهبری تنوره بیگ از تبار اوغوز (جد هشتم جهانشاه) در قالب سی هزار چادر از ترکستان به ایران و آناتولی شرقی آمده‌اند (سومر ۱۳۹۰؛ نجف‌لو ۱۳۹۰، ۱۷-۴۰؛ باسورث ۱۳۸۱، ۵۲۲). یکی از مورخان قرن نهم هجری به نام «شکرالله» در کتاب بهجت‌التواریخ، درباره بستر قومی و ریشه‌های نسبی یکسان جهانشاه و سلطان مراد دوم و سلطان محمد دوم، اطلاعات موثقی به دست می‌دهد (نجف‌لو ۱۳۹۰، ۲۳). با توجه به این اشتراک قومی، جهانشاه در مکاتباتش با سلطان محمد دوم، او را «فرزندم» خطاب می‌کرد و پاسخ‌هایی با خطاب «پدرم» دریافت می‌نمود. از بررسی مکاتبات دو طرف چنین برمی‌آید که آن‌ها همواره در جهت تحکیم روابطشان، فتح‌نامه‌ها و محبت‌نامه‌هایی برای یکدیگر ارسال می‌کردند (ینانچ و ولی ۱۳۷۵، ۲۷۹).

ج. منافع دوجانبه اقتصادی و فرهنگی: در دوران قراقویونلوها و به‌خصوص جهانشاه، روابط مناسب اقتصادی و فرهنگی با دولت عثمانی برقرار شد و همواره تجار و هنرمندان زیادی در مسیر کاروان‌رو تبریز-بورسا در حال رفت‌وآمد

بودند (نجف‌لو ۱۳۹۰، ۱۱۴-۱۱۸). یافته‌های تاریخی مورخان ترک، مؤید آن است که غالباً ترک‌های عثمانی به فراگیری هنر و معماری در تبریز پرداخته و معماران تبریزی نیز برای ساخت، خطاطی و کاشی‌کاری برخی از بناهای سلطنتی و حائز اهمیت، به شهرهای عثمانی نظیر بورسا، ادرین و... رفته‌اند (Mantran 1952; Esin 1980) تا جایی که گادفری گودوین (۱۳۸۸، ۲۶۰)، پژوهشگر معماری ترک، سرمعمار دولت عثمانی را یک ایرانی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «سنان (سرمعمار ترک دوران عثمانی در قرن دهم هجری) به‌عنوان معمار دارالسعادت بر جای عجمی عیسی معمار سال‌خورده ایرانی نشست.» گودوین به‌نقل از اسین می‌گوید که غلامان ترک، هنرها و معماری را در تبریز می‌آموختند و محله‌ای تمام از این شهر را اشغال کرده بودند (همان، ۶۵۶).

د. تشابه در اعتقادات علوی و صوفیانه حاکمان و مردم: در قرون ابتدایی شکل‌گیری دولت عثمانی، آن‌ها برای افزایش قدرت و جذب حمایت مردم، روابط بسیار خوبی با حلقه‌های تصوف و علویان برقرار کردند. غالب صوفیان آناتولی در حمله مغول به ایران، از منطقه خراسان به آنجا کوچیده بودند. صوفیان مولویه، بکتاشیه و مسعودیه که برخی دارای گرایش‌های شیعی بودند، از آن جمله‌اند (کیانی ۱۳۶۹، ۱۷۵-۱۷۸؛ شیمل ۱۳۸۴، ۲۲۹-۲۴۰). از طرفی دیگر، تیمور و فرزندانش نیز در خصوص بعضی از مشایخ صوفیه که گرایش‌های شیعی داشتند، نفرت یا سوءظن نشان می‌دادند. جهان‌شاه و حاکمان عثمانی از این موضوع بهره‌برداری کرده و با توجه به باورهای اعتقادی مشابه در منطقه آذربایجان، قزلباش‌ها و ایلات ترکمنی قراقویونلو، بخش زیادی از صوفیان شیعی و علویان را به خود جذب نمودند و در عوض مورد حمایت آن‌ها قرار گرفتند (جمالی فر ۱۳۹۱، ۲۵).

۳.۱. ساخت مقابر با الگوهای مشخص معماری در کل منطقه به‌عنوان رسم مشترک فرهنگی

تیموریان، قراقویونلوها، عثمانی‌ها و حتی مصری‌ها در دوران سلطنت مملوک‌ها، به‌واسطه داشتن ریشه‌های قومی مشترک و پررنگ شدن جریان‌های تصوف در کل منطقه، اقدام به ساخت مقابر و مجتمع‌های مذهبی-آرامگاهی فراوان کردند. تفکر ساخت مقابر و مجتمع‌های مذهبی-آرامگاهی از دوران سلجوقی آغاز شده و در قرن هشتم و نهم هجری به اوج خود رسید (حسینی ۱۳۸۸، ۱۸-۱۶). برای نمونه، در قرن هشتم هجری، به فرمان تیمور، آرامگاه خواجه احمد یسوی (۷۹۷-۸۰۲ق) در ترکستان به دست معمار ایرانی خواجه حسین شیرازی (ویلبر و گلمبک ۱۳۷۴، ۳۹۶) و آرامگاه زنگی آتا که از مریدان و مروجان تفکر یسویه بوده، در تاشکند بنا می‌شود (کوپرلی ۱۳۸۵). عثمانی‌ها و قراقویونلوها نیز به‌دلیل داشتن تمایلات صوفیانه، از این سنت فرهنگی در ساخت مقابر برای عارفان و حکام بهره بردند. سازندگان این‌گونه از بناها به‌دلیل نهمی شدن مسلمانان از ساخت مقابر، سعی کردند تا آرامگاه‌ها را در کنار سایر بناهای مذهبی و فرهنگی نظیر مدرسه، خانقاه، کاروانسرا یا مسجد ایجاد کنند (هیلن براند ۱۳۹۱، ۳۱۹).

۴.۱. نتیجه‌گیری از مباحث تاریخی برای تحلیل معماری

با بررسی تاریخ و جغرافیای بستر، در زمان شکل‌گیری مسجد کبود تبریز، برخی نتایج اولیه در جهت تحلیل معماری به دست آمد:

۴.۱.۱. اگر این حدس را بپذیریم که پایه‌گذاری و ساخت مسجد-آرامگاه شاه مشهد توسط سلطان محمد و دختر جهان‌شاه انجام شده، می‌توان گفت همسر و دختران جهان‌شاه هریک در گوشه‌ای از ایران (مشهد، تبریز و تفت) دست به ساخت مساجدی زده‌اند که از حیث ویژگی‌های الگویی و کارشیو (ترکیب گنبدخانه و مردگرد در دورتادور آن) به یکدیگر بسیار شبیه‌اند. مضاف بر این، هر سه بنا در ارتباط با تفکر تصوف شیعی شکل گرفته، بدون میان‌سرا بوده و فضای مسجدشان به‌دلیل تعلق به یک مجموعه خانقاهی یا تفکر صوفیانه، حالتی خصوصی داشته و مسجد جامع نیست (تصویر ۱). با مطالعه مدارک تاریخی و شواهد میدانی درمی‌یابیم در دوران صفویه و بعد از آن، هر سه مسجد کبود تبریز، مسجد شاه ولی و مسجد شاه، مورد بی‌اعتنایی شیعه قرار گرفته و توصیفاتی همچون «مسجد سنی‌ها» (بیت ۱۳۶۵، ۳۰۳؛ کست ۱۳۹۰، ۱۵۷)، «معبد کفار» (تاورنیه ۱۳۸۳، ۱۱۴)، «شیعه مایل رفتن به آن نیست» (سفرنامه اولیا چلبی به‌نقل از: نخجوانی ۱۳۳۸، ۲۷۶) و «به دست سنیان ساخته شده و شیعیان چندان مقید به نگاهداری آن نبودند» (دیولافوا ۱۳۳۲، ۵۲؛ گروته ۱۳۶۹، ۳۰۴-۳۰۵)، به آن‌ها نسبت داده شده است. البته نادر میرزا (۱۳۷۳، ۸۲) مؤلف کتاب

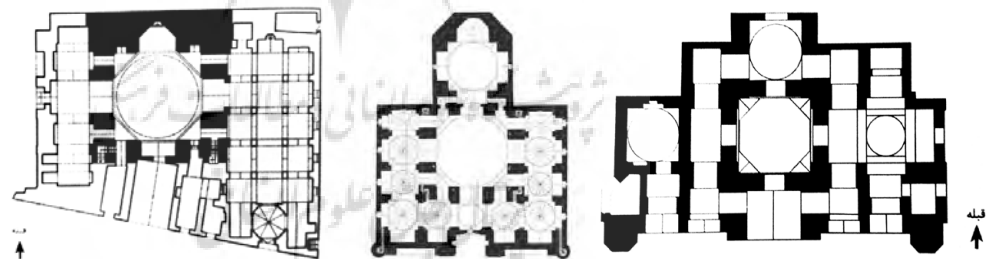
تاریخ دار السلطنه تبریز (۱۳۰۲ق)، عدم اعتنای شیعیان به مسجد کبود تبریز به دلیل انتساب آن به اهل سنت را درست نمی‌داند؛ گرچه به نظر می‌رسد به‌واقع شیعیان در دوران صفوی و بعد از آن، تمایلی به رفتن به این مساجد نداشتند و دقیقاً تمام توصیفات که از این مساجد شده، متعلق به دوران شاه‌عباس کبیر و بعد از آن است. عمده دلایل عدم تمایل مردم و حاکمان شیعه در مراجعه به این بناها و طرد آن‌ها به شرح ذیل است:

الف. اتصال این سه مسجد به خانقاه، آن‌ها را از فضای عبادی محض، خارج و به پایگاهی فرهنگی برای ترویج اندیشه‌های مذهبی و اعتقادی خاص (در ارتباط با تصوف) تبدیل کرده بود. برای نمونه می‌توان به مسجد شاه ولی تفت اشاره کرد که از ابتدای ساخت آن در مجموعه خانقاهی، محل اقامت صوفیان نعمت‌اللهی و ترویج تفکرشان در ادوار مختلف بوده است. مجموعه خانقاهی شاه ولی تفت از زمان حکومت شاه‌عباس کبیر تا اواخر دوران قاجار مورد کم‌توجهی و آسیب‌های جدی قرار گرفته و فقط در دوران پهلوی، در اوج نعمت‌اللهی اجازه مرمت‌هایی جزئی در برخی بناهای مجموعه را پیدا می‌کنند (دهقانی تفتی و مردمی ۱۳۹۲).

ب. ارتباط داشتن با تفکر تصوف شیعی بانیان مجموعه که از نظر فقهای شیعه اثناعشری مردود بود (جعفریان ۱۳۸۵، ۷۷۲).

ج. ترس از قدرت‌گیری مجدد صوفیان شیعه و علویان که تعداد کثیری از آن‌ها در مناطق مختلف ایران و به‌خصوص آذربایجان حضور داشتند. گروه‌هایی از آن‌ها نیز با دولت عثمانی و حلقه‌های نظامی‌اش مرتبط بودند. این موضوع سبب می‌شد تا حاکمان صفوی سخت‌گیری‌های زیادی بر صوفیان شیعی داشته باشند. در این میان، فقط صوفیان نعمت‌اللهی توانستند با شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل دوم صفوی رابطه بسیار دوستانه و خویشاوندی برقرار سازند؛ هرچند رشته این مودت نیز با اقدام امیر غیاث‌الدین میرمیران (از نوادگان شاه نعمت‌الله ولی) در جهت تصاحب پادشاهی ایران، پاره شد و شاه‌عباس کبیر در صدد نابودی و کشتار صوفیان برآمد^{۱۰} (منشی ۱۳۶۶، ج. ۱، ۶۷۲؛ کیانی ۱۳۶۹، ۲۶۳؛ قریشی ۱۳۸۵، ۵۰).

د. خصوصیت شاه اسماعیل صفوی و فرزندانش از جهان‌شاه به دلیل سخت‌گیری شدیدی بود که بر اجدادشان (شیخ جنید و سلطان حیدر) روا داشته بود.



تصویر ۱: از راست به چپ، کارشیو مسجد- آرامگاه شاه مشهد (۸۵۵ق)، مسجد- آرامگاه کبود تبریز (۸۷۰ق) و مسجد شاه ولی تفت (۸۷۳ق) که ترکیبی از گنبدخانه و مردگرد در دورتادور آن است (به ترتیب: لیاف خانیکی و صابرمقدم ۱۳۸۵، ۷۴؛ حاجی قاسمی و همکاران ۱۳۸۳، ج. ۶، ۵۹-۶۰؛ معاریان ۱۳۹۹، ۹۱). مسجد شاه ولی در گذر زمان، دچار تغییرات فراوان شده و فقط بخش گنبدخانه و مردگرد ضلع شرقی مسجد، متعلق به دوره اولیه ساخت بنا است.

۲.۴.۱. برخی پژوهشگران با استناد به گفته‌های قاضی میبیدی، ساخت مسجد کبود تبریز را به صالحه خاتون دختر جهان‌شاه نسبت داده‌اند؛ در حالی که با مراجعه به کتاب منشآت میبیدی درمی‌یابیم بانی مسجد کبود تبریز، خاتون جان بیگم بوده و صالحه خاتون در دوران سلطنت یعقوب آق‌قویونلو (۸۸۲-۸۹۶ق) مشغول به ساخت حمام و تکمیل بناهای مجموعه و خانقاه مظفریه است. از این مطلب می‌توان استنباط کرد که مجموعه مظفریه پس از کشته شدن جهان‌شاه و خاتون جان بیگم (۸۷۲ق) هنوز ناتمام بوده و آثار دیگری در دوره آق‌قویونلوها به آن اضافه شده است.

۳.۴.۱. در دوران حکومت جهانشاه به واسطه روابط مناسب با دولت عثمانی، معماران، کاشی کاران و هنرمندان زیادی در هر دو منطقه در حال آمدوشد بودند. اما با استناد به نظرات مورخان معماری عثمانی نظیر گادفری گودین (۱۳۸۸)، روبرت مانتران (۱۹۵۲) و امل اسین (۱۹۸۰)، حضور معماران و هنرمندان ایرانی و تأثیر معماری ایران در شکل‌گیری و ساخت بناهای در منطقه عثمانی غالب بوده است.

۴.۴.۱. به واسطه ریشه نسلی مشترک بین ترکان تیموری، عثمانی، مصری و قراقویونلوها، آداب مشترک و تعامل فرهنگ معماری وجود داشته است. ساخت مجتمع‌های مذهبی- آرامگاهی با الگوهای معماری مشخص بر سر مزار شخصیت‌های مذهبی، پادشاهان و شیوخ متصوفه از جمله این ویژگی‌های مشترک است.

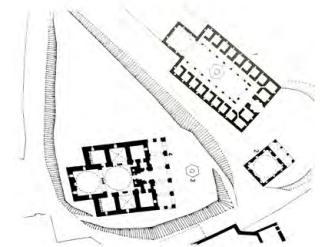
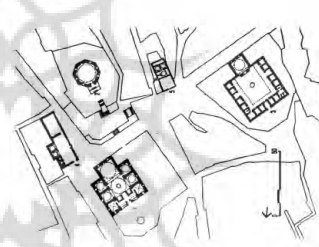
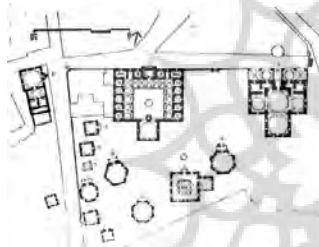
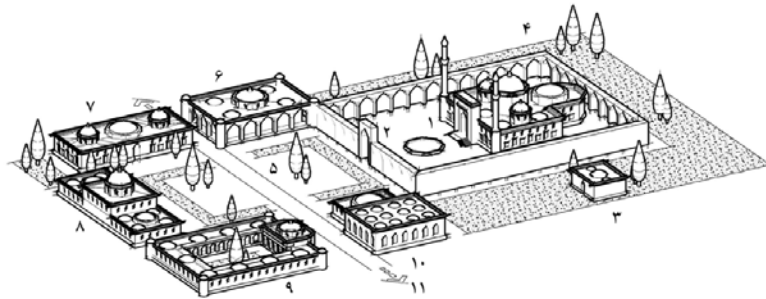
۲. تحلیل معماری مسجد کبود تبریز و ریشه الگوی آن

تعداد قابل توجهی از پژوهشگران معماری به بررسی مسجد کبود تبریز پرداخته و نتایج متفاوتی از جنبه میزان تأثیرپذیری الگوی معماری آن از معماری ایرانی و عثمانی گرفته‌اند. علاوه بر تشکیک در خاستگاه ریشه الگوی معماری بنا، برخی نتایج مبهم دیگر نیز در ارتباط با موضوعاتی نظیر موقعیت قرارگیری مسجد در مجموعه، کارکرد، کارشیو (اتصال دو گنبدخانه به یکدیگر در یک محور و همچنین ترکیب گنبدخانه و مردگرد در دورتادور آن)، نمای بیرونی، سازه‌ها و تزیینات درونی و بیرونی، به دست آمده که این به دلیل وجود شواهدی به ظاهر مشابه، در معماری هر دو منطقه ایران و عثمانی است. در ادامه، به تحلیل هریک از آن‌ها پرداخته و از جهت تأثیرپذیری‌اش از معماری ایرانی و عثمانی نتیجه‌گیری خواهد شد.

به طور کلی، رویکرد این پژوهش در تحلیل معماری مسجد کبود تبریز در عناصر و اجزا و ریشه الگویی آن، در توجه به یک قاعده کلی در معماری گذشته است که فرم هر بنا محصول فرایند در طول زمان است. بنابراین برای مطالعه و استخراج ریشه الگوی بناهای معماری، لازم است به سیر تحول و رشد آن بناها در دستگاه‌ها یا قالب‌های خودشان با نگاهی گسترده به معماری آن سرزمین پرداخته شود. با این نگاه، یافتن الگوی معماری بنای کبود تبریز نیز مستلزم شناخت و بررسی دستگاه یا قالب معماری است که آن بنا و مجموعه بناهای مشابه دیگر در جاهای مختلف با نگاهی تداومی در طول زمان در آن شکل گرفته‌اند (معماریان ۱۳۹۹، ۱۷). در اینجا دستگاه معماری به مثابه قالبی است که دارای عناصر یا اندام شخصیت‌دهنده بوده و می‌توانست کارکردهای متفاوت را در خود جای دهد. این قالب‌ها در ادوار تاریخی و مکان‌های مختلف بر اساس سبک‌ها و شیوه‌های رایج در ساخت، لباسی خاص بر تن می‌کردند (همان، ۱۸).

۲.۱. مسجد کبود تبریز؛ موقعیت قرارگیری در مجموعه، کارکرد، کارشیو و دستگاه ساخت

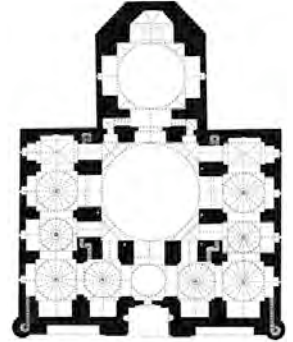
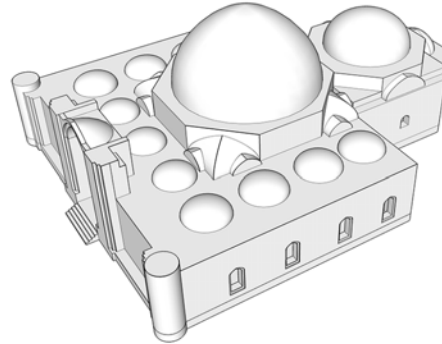
مسجد کبود تبریز مهم‌ترین بنای موجود در مجموعه مظفریه بوده که در کنار سایر بناهای مجموعه مشتمل بر خانقاه، کتابخانه، صحن و حمام قرار داشته است (ذکاء ۱۳۶۸، ۱۸۳). این مسجد فاقد میان‌سرا بوده و صحن روبه‌روی سردر ورودی آن، حیاط مسجد تلقی می‌شده است. نظیر این نوع سازمان‌دهی، در مسجد شاه ولی تفت و صحن خانقاه روبه‌روی آن و مسجد مقبره شاه مشهد و میدانگاه مقابلش، توضیح داده شد. با توصیفات مختصری که برخی از منابع تاریخی از نظام معماری اصیل مجموعه مظفریه ارائه کرده‌اند^{۱۱} و همچنین شکل فرضی بازسازی‌شده از آن (کبیرصابر، مظاهریان، و پیروی ۱۳۹۳)، به نظر می‌رسد دانه‌های معماری مجموعه مظفریه با نظامی هندسی، سازمان‌دهی شده بودند. این نوع از استقرار دانه‌های معماری، در غالب مجموعه‌سازی‌های در معماری ایران، مورد توجه بوده است. برای نمونه، می‌توان به مجموعه بناهای حرم امام رضا(ع)، مجموعه خانقاهی شاه ولی تفت، مقبره شاه نعمت‌الله ولی کرمان، میدان ریگستان سمرقند و میدان نقش جهان اصفهان (ساخت در دوران صفوی) اشاره کرد. این در حالی است که در مجموعه‌سازی‌های منطقه عثمانی، بناها به صورت مجزا و منفرد در یک طرح آزاد و غیرهندسی در محوطه‌ای وسیع شکل می‌گرفتند (تصویر ۲).



تصویر ۲: تصویر بالا؛ طرح فرضی بازسازی شده از مجموعه مظفریه تبریز بر اساس پژوهش کبیر صابر، مظاهریان، و پیروی (۱۳۹۲).
تصاویر پایین؛ ساخت مجتمع‌های مذهبی-آرامگاهی متعلق به پادشاهان عثمانی در طراحی آزاد و غیرهندسی در محوطه‌هایی وسیع، شهر بورسا. از راست به چپ؛ مجتمع ایلدیریم بایزید (۷۹۲-۷۹۸ق)، یشیل (۸۲۲-۸۲۴ق) و مرادیه (۸۲۸ق) (گودوین ۱۳۸۸). در این مجتمع‌ها، مقابر به صورت مجزا و با فاصله از مساجد (گونه بورسا) ساخته شده است.

بنای کبود تبریز از اتصال دو گنبدخانه در راستای محور ورودی، که هر یک از آن‌ها کارکردی مجزا داشته، شکل گرفته است. فضای گنبدخانه اصلی، مسجد بوده و گنبدخانه دوم که در زیر آن مقابری وجود دارد، دارای کارکرد آرامگاهی است. از لحاظ دسترسی فیزیکی، اتصال این دو گنبدخانه از طریق دو مسیر برابری بوده که در طرفین محراب وجود داشته و در گذشته کاربران مسجد از فضای گنبدخانه اصلی قادر به مشاهده گنبدخانه کوچک‌تر واقع در پشت محراب نبوده‌اند (تصویر ۳). در ارتباط با موضوع پژوهش، در اینجا دو سؤال عمده ایجاد می‌شود: ۱. کارکردهای ترکیبی که در اتصال مقابر به سایر بناها ایجاد شده، الگوی برخاسته از معماری منطقه ایران است یا عثمانی؟ ۲. ترکیب دو گنبدخانه در یک محور که یکی مقبره باشد و دیگری مسجد، نمازخانه یا کارکردهای دیگر، دارای چه شواهد معماری مشابهی در منطقه ایران و عثمانی است؟

در معماری ایران (دربرگیرنده خراسان، سمرقند، بخارا، ترکستان، عراق عرب و عجم و...)، سنت مقبره‌سازی در اتصال به سایر بناها با کارکرد زیارتخانه، نمازخانه، خانقاه، مدرسه و کاروان‌سرا، از دوران سلجوقی آغاز شده و تا دوران تیموری ادامه یافته است. ایجاد این مجموعه‌ها، در دوران صفوی با سیر نزولی مواجه می‌شود و مقابر غیرمذهبی جای خود را به قبور مقدسین می‌دهند (کیانی ۱۳۷۹، ۷۷). ساخت مجتمع‌های آرامگاهی به احتمال زیاد در ارتباط با جریان‌ها و تفکرات صوفیانه و غالباً بر سر مزار شاهان و سلاطین و شیوخ متصوفه انجام می‌پذیرفت (حسینی ۱۳۸۸، ۱۵). غازی (۷۰۲-۶۹۶ق)، سلطانی (۷۰۳ق)، مجموعه بایزید بسطامی (اوایل قرن هشتم)، مسجد و بقعه شیخ عبدالصمد نطنزی (۷۰۷ق) و خانقاه



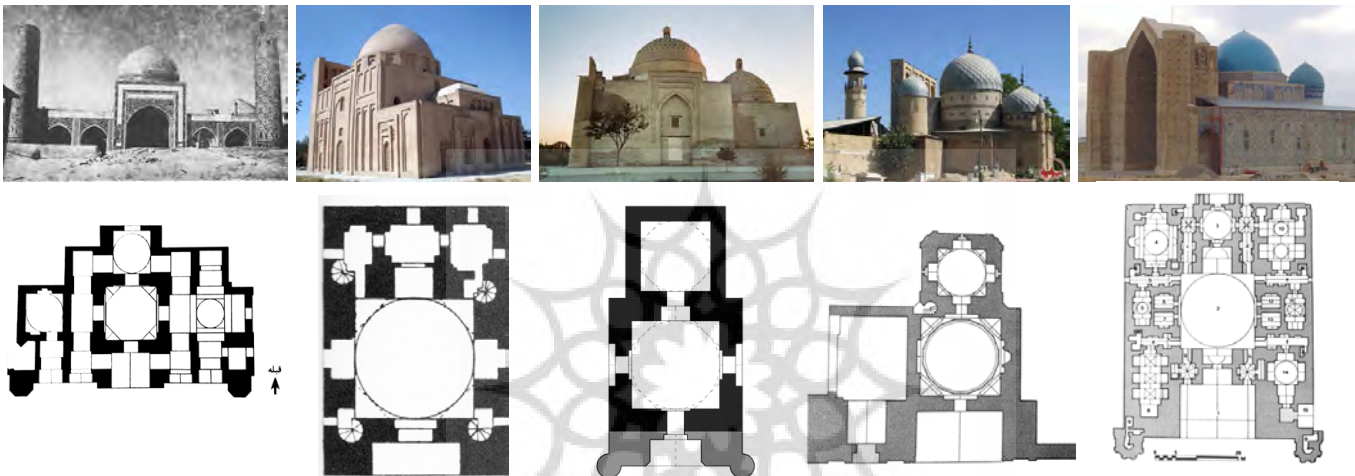
تصویر ۳: کارشیو، سه‌بعدی و تصویر سردر و نمای ورودی بنای کبود تبریز که گنبدخانه بزرگ کارکرد مسجد داشته و گنبدخانه کوچک‌تر آرامگاه است (تصویر کارشیو حاجی قاسمی و دیگران ۱۳۸۳، ج. ۶، ۵۹-۶۰: تصویر سه‌بعدی معماریان ۱۳۹۹، ۹۱).

و آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۳۵-۷۴۵ق) فقط برخی از مهم‌ترین مجموعه‌های مذهبی-آرامگاهی پیش از دوران تیموری است. ساخت این گونه از آرامگاه‌ها در قرن هشتم و نهم هجری، افزایش چشمگیری یافته و در زمان شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰ق) به اوج خود می‌رسد. بناهای گورستان شاه‌زند (۷۳۵-۸۵۰ق)، بقعه چشمه ایوب، آرامگاه زنگی آتا، مجموعه فتح‌آباد و آرامگاه سیف‌الدین باخزری (۷۳۷ق)، آرامگاه خواجه احمد یسوی (۷۹۷-۸۰۲ق)، خانقاه شاه نعمت‌الله ولی در تفت (حدود ۸۰۰ق)، مزار تیمور (۸۰۷ق)، سارای ملک خانم، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (۸۳۲ق)، آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی ماهان کرمان (۸۴۰ق)، آرامگاه گوهرشاد بیگم و فرزندانش در هرات (حدود ۸۴۲ق)، مجموعه‌های آرامگاهی شهر سبز، مجموعه امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه مشهد (۸۵۵ق)، خانقاه مظفریه تبریز (۸۷۰ق) و عشرت‌خانه، از جمله آثار مذهبی-آرامگاهی ساخته‌شده در دوران تیموری است (ویلبر و گل‌میک ۱۳۷۴، ۲۹۶-۳۹۸).

سلطین عثمانی نیز با تأثیرپذیری از سنت‌های مقبره‌سازی که در دوران سلجوقی آغاز شده و تا قرن‌ها بعد نیز ادامه یافت، نمونه‌های فراوانی از خانقاه‌ها و مجتمع‌های مذهبی-آرامگاهی در منطقه آناتولی ایجاد کردند. بناها بر اساس این سنت، در قرن هشتم و نهم هجری، با پررنگ شدن جریان‌های صوفیانه در منطقه عثمانی، به اوج خود می‌رسد؛ برای نمونه می‌توان به مجموعه‌های مذهبی-آرامگاهی ایلدیریم بایزید متعلق به سلطان بایزید اول (۷۹۸-۷۹۲ق)، یشیل متعلق به سلطان محمد اول (۸۲۲-۸۲۴ق) و مرادیه متعلق به سلطان مراد دوم (۸۲۸ق) اشاره کرد (Freely 2011) (نک: تصویر ۲). در تحلیل معماری این بناها در منطقه عثمانی، کوبان (2006) پنج عامل را در شکل‌گیری نهایی آن‌ها مؤثر می‌داند که شامل «معماری بومی آناتولی»، «عناصر معماری ترکان آسیای میانه»، «عناصر معماری ایرانی دوره سلجوقی»، «عناصر عربی معماری عراق، سوریه و مصر» و در نهایت «عناصر معماری بیزانس (رومی)» است. وی اظهار می‌دارد مسجد یشیل بورسا و مجموعه بناهای آناتولی همگی بناهایی هستند که هرچند با گذشت زمان، عناصر معماری سلجوقی در آن‌ها کمرنگ‌تر شده و به همان اندازه عناصر رومی قدرت یافته، تا اواسط قرن شانزدهم میلادی همچنان ریشه و پایه اصلی فرم‌ها و تزئیناتشان، بر اساس هنر و معماری سلجوقی است (همان‌جا). در مجموع در پاسخ به سؤال که بناهای با کارکرد ترکیبی مقبره در اتصال به بنای دیگر، خاستگاه ایرانی داشته یا عثمانی، می‌توان گفت یک تعامل فرهنگی گسترده از جنبه کارکرد معماری بین منطقه عثمانی و ایران در طرح بناهای مذهبی-آرامگاهی برقرار بوده است.

ساخت مجتمع‌های با کارکرد مذهبی-آرامگاهی در هر منطقه جغرافیایی، متناسب با تجربیات معماری و همچنین احکام و توصیه‌های شرعی مختلف در سنت تدفین در فرقه‌های مذهبی و صوفی، تفاوت‌هایی در نحوه ساخت مقابر و اتصال آن‌ها به سایر بناها ایجاد کرده است. در مسجد کبود تبریز، یک گنبدخانه بزرگ (مسجد) و یک گنبدخانه کوچک (مقبره)، به صورت متوالی در راستای محور ورودی به یکدیگر وصل شده‌اند. اتصال دو گنبدخانه به صورت متوالی، که یکی

کارکرد زیارت‌خانه، نمازخانه یا مسجد داشته و دیگری مقبره باشد، دارای شواهد معماری مختلف در منطقه ایران نظیر خراسان، ترکمنستان، سمرقند، بخارا، بغداد، هرات، مزار شریف و همچنین با تعدادی محدودتر در منطقه عثمانی است. در ایران، برای نمونه می‌توان به بنای هارونیه توس (۷۰۰ق)، مزار خواجه احمد یسوی در ترکستان، مقبره سیف‌الدین باختری در مجموعه فتح‌آباد بخارا، آرامگاه دوگنبدی زنگی آتا در تاشکند، مقابر با دو گنبدخانه در مجموعه گورستان شاه‌زند، مسجد و آرامگاه منتسب به شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد، آرامگاه امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه در مشهد، زیارتگاه درب امام اصفهان^{۱۳} (۸۵۷ق) و زیارتگاه علی بن ابیطالب در مزار شریف (۸۸۵ق) (ترکیب یک نمازخانه خصوصی و مقبره) اشاره کرد (تصویر ۴). در تمامی این موارد به‌جز زیارتگاه درب امام، بر اساس محور ورودی، در زیر گنبدخانه دوم مقبره قرار دارد.



تصویر ۴: برخی از بناهای ایرانی در اتصال دو گنبدخانه به یکدیگر که یکی مسجد یا نمازخانه و دیگری آرامگاه است. از راست به چپ زیارتگاه خواجه احمد یسوی، مقبره زنگی آتا، مقبره سیف‌الدین باختری، بنای هارونیه توس، و مسجد-مقبره امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه مشهد (ویلبر و گلمبک ۱۳۷۴؛ معماریان ۱۳۹۹، ۶۹؛ لباف خانیکی و صابرمقدم ۱۳۸۵، ۷۴).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۵

در معماری عثمانی نیز می‌توان به بناهایی نظیر بقعه خیرالدین پاشا جاندارلی (۷۸۹ق) و بقعه سلطان مراد دوم که با اتصال دو گنبدخانه بزرگ و کوچک ایجاد شده است، اشاره کرد (گودوین ۱۳۸۸، ۹۱؛ Freely 2011, 61). در بقعه خیرالدین پاشا، گنبدخانه دوم که کوچک‌تر است، آرامگاه بوده (تصویر ۵) و در بقعه مرادیه، قبر سلاطین زیر گنبدخانه اولی که بزرگ‌تر است، جای دارد. در معماری عثمانی به‌دلیل ملاحظات مذهبی که در مقبره‌سازی وجود داشت، قبر سلاطین در یک بنای چندضلعی به‌صورت کاملاً مجزا (با فاصله از مسجد) و با استقرار آزاد و غیرهندسی در مجتمع‌ها ایجاد شده است.



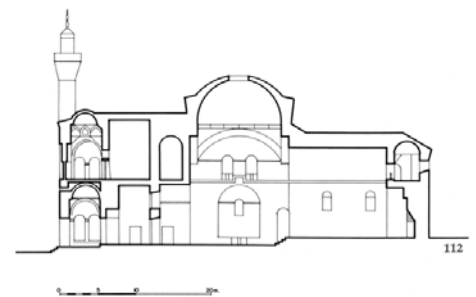
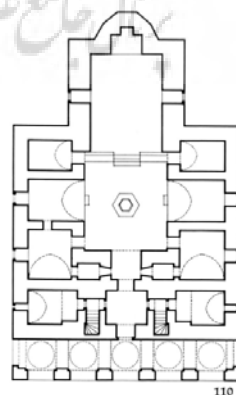
تصویر ۵: مقبره دوگنبدی خیرالدین پاشا جاندارلی (۷۸۹ق) در ازنیک منطقه عثمانی (گودوین ۱۳۸۸، ۹۳)

در مسجد کبود تبریز، جهانشاه و همسرش نیز بر اساس سنت و فرهنگ تدفین و مقبره‌سازی برای سلاطین و بزرگان، به فکر ایجاد فضایی مجزا برای قرارگیری مقابرشان در مجموعه مظهریه افتاده‌اند. در آن زمان، الگوها و نمونه‌های متفاوتی از قرارگیری مقبره در اتصال به بناهای دیگر وجود داشت؛ نظیر قرارگیری مقبره تیمور در اتصال به خانقاه، مقبره گوهرشاد و شاهرخ در اتصال به مدرسه و مقبره برخی از بزرگان شیعه یا علوی در اتصال به نمازخانه و مسجد. اما اینکه چرا جهانشاه و خاتون جان بیگم تصمیم به اتصال مقبره با مسجد می‌گیرند، می‌تواند دلایل احتمالی متنوعی داشته باشد؛ نظیر نشان دادن یا نماد بودن اتصال مسجد (یا نمازخانه) به مقبره در آرامگاه‌های با تعلقات شیعی و علوی، یا حتی تأثیرپذیری از مقابر دوگنبدی عثمانی (در اینجا منظور مساجد دوگنبدی گونه بوسا نیست) که تعداد بسیار کمی از آن در منطقه آناتولی وجود دارد.

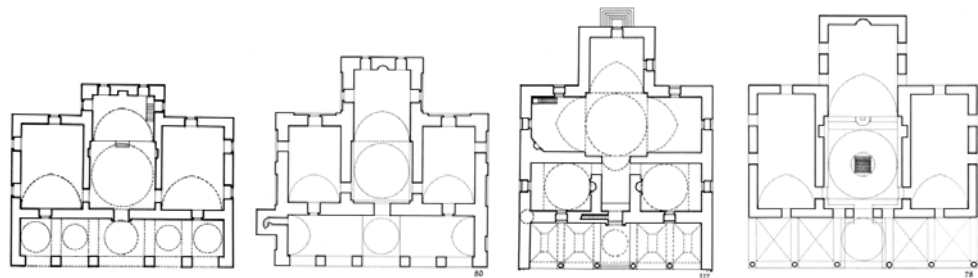
اما از جنبه معماری، عده‌ای از پژوهشگران تصور کرده‌اند کلیت حجمی و کارشیو بنای کبود تبریز که در اتصال دو گنبدخانه به همدیگر بوده و مردگردی دورتادور گنبدخانه اصلی می‌چرخد، برگرفته از الگوی ساخت مساجد گونه بوسا در منطقه عثمانی است (سلطان‌زاده ۱۳۷۶؛ کبیرصابر، مظاهریان، و پیروی ۱۳۹۳) که بنا به دلایل متعددی، این ادعا صحیح به نظر نمی‌رسد.

با استناد به یافته‌های پژوهشگران معماری ترک، مساجد گونه بوسا که به مساجد گونه ایوانی معروف‌اند، از جنبه کارکرد، ترکیب فضایی دو گنبدخانه و سیر تداومی بناهای ساخته شده در این قالب، مسیری کاملاً متفاوت از آنچه در مسجد-آرامگاه کبود تبریز اتفاق افتاده، طی کرده‌اند؛ هرچند از لحاظ وضعیت ظاهری، مساجد گونه بوسا شباهت‌هایی با کلیت فرمی مسجد کبود تبریز دارند.

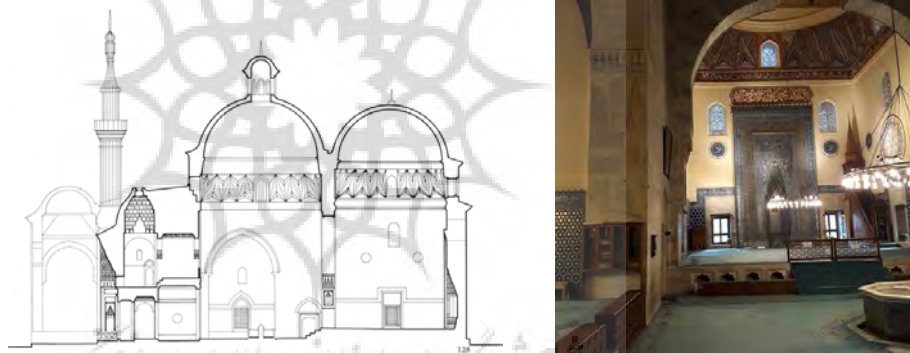
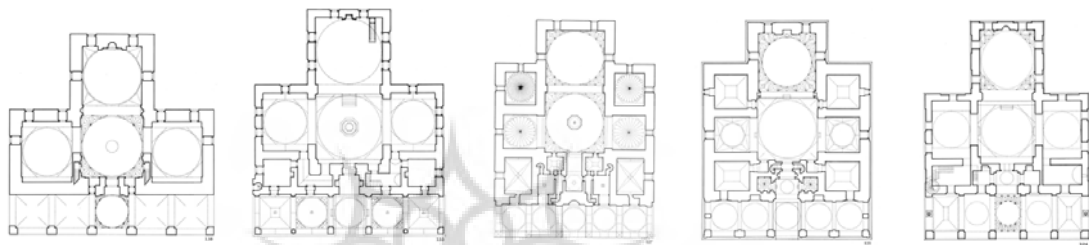
مساجد بوسا از لحاظ کارکردی به مساجد چندعملکردی شهرت داشته و بر پایه الگوی مدارس چهارایوانی دوران سلجوقی در منطقه عثمانی شکل گرفته‌اند (گودوین ۱۳۸۸، ۴۳:۷۳، Kuran 1968, 30; Freely 2011, 30) (تصویر ۶ و ۷). در این الگوی ساخت، گنبدخانه بر روی فضای میان‌سرای مرکزی قرار گرفته و چهار طرف آن، ایوان‌هایی با پوشش طاق‌آهنگ که بعدها به گنبد تبدیل می‌شود، ایجاد می‌شود. از لحاظ فضایی نیز در امتداد محور ورودی و بعد از گذر از فضای گنبدخانه مرکزی، با ایجاد اندکی اختلاف در حد چند پله، قوسی بزرگ (معروف به قوس بوسایی) که نیروی گنبدخانه را به زمین منتقل می‌کند، وجود داشته و بعد از آن گنبدخانه دوم یا ایوان مفروشی قرار دارد که فضایی برای اقامه نماز است. به بیانی دیگر، کاربر می‌تواند از فضای بیرونی مسجد، بعد از گذر از رواق ورودی که برگرفته از معماری بیزانسی است، وارد فضای گنبددار مرکزی یا همان صحن میانی گنبددار شده و با بیرون آوردن کفش‌ها و با بالا رفتن از سه تا چهار پله، وارد فضای مفروش نمازخانه شود (تصویر ۸). فضاهای جانبی در طرفین گنبدخانه نیز زوایایی برای خلوت‌نشینی حکام، درویش و صوفیان است (Kuran 1968, 71-136).



تصویر ۶: کارشیو، مقطع و تصویری از مسجد خداوندگار بوسا (۷۸۷ق) که چهار ایوان اطراف میان‌سرای گنبددار، دارای طاق‌آهنگ هستند (Freely 2011).



تصویر ۷: کارشيو گونه بوسا که فضاي نمازخانه داراي طاق آهنگ است. به ترتيب: مسجد سلطان اورخان قاضي در ازنيق (۷۳۴ق)، مسجد خداوندگار در ادرين (اواسط قرن ۸ق)، مسجد ابواسحاق کارزوني (اواخر قرن ۸ق) و مسجد تيمورتاش در بوسا (1111). (Freely 2011).



تصویر ۸: کارشيو گونه بوسا با ايوان‌های داراي پوشش گنبدخانه‌ای و یک نمونه تصوير و مقطع از اتصال گنبدخانه تالار مرکزی و فضاي نمازخانه در مسجد يشيل بوسا. کارشيوها به ترتيب: اورخان قاضي (۷۴۰ق)، ايلديریم بايزيد (۷۹۸ق)، يشيل (۸۲۲-۸۲۴ق)، سلطان مراد دوم (۸۵۴ق) در بوسا و مسجد مرادیه ادرين (۸۳۹ق) (Freely 2011).

مطالعات معماري ايران

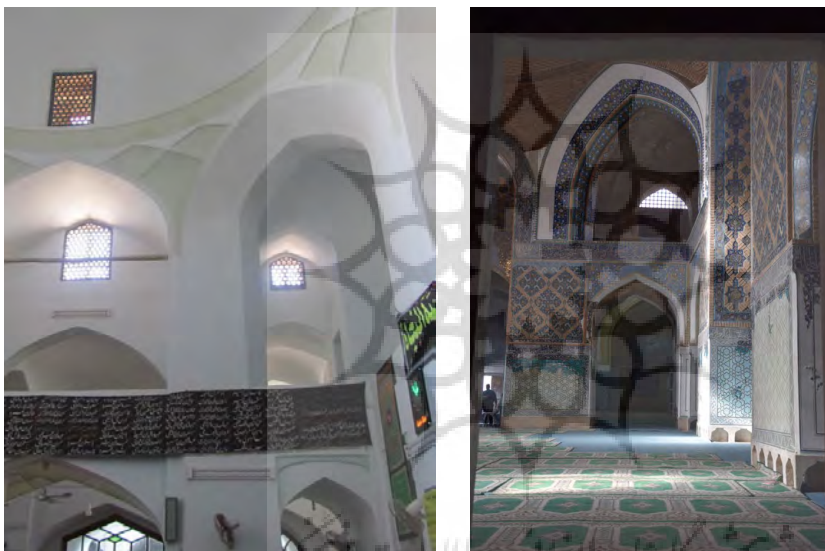
دو فصلنامه معماري ايراني
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۷

در بنای کبود تبریز، گنبدخانه اصلی فضایی مفروش برای نماز خواندن و گنبدخانه کوچک مقبره بوده و این دو گنبدخانه، از طریق دو بروار طرفین محراب به یکدیگر دسترسی داشته‌اند. مسجد و مقبره در بنای کبود تبریز هر یک دارای کارکردی مجزا بوده و فقط به همدیگر متصل شده‌اند. ساخت مردگرد در دورتادور گنبدخانه اصلی نیز در بناهای دستگاه گنبدخانه‌ای سابقه داشته (نظیر مسجد شاه مشهد، آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی کرمان و گنبدخانه مجموعه سلطان محمودشاه در بُندرآباد) و در سال‌های بعد از ساخت مسجد کبود نیز در بناهای گنبدخانه‌ای دیگر (نظیر مسجد شاه ولی تفت و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان) تکرار می‌شود. بنابراین، مسجد کبود تبریز در تداوم گسترش بناهای دستگاه گنبدخانه‌ای ایران شکل گرفته که سیر تحول این دستگاه معماری، در ایران سابقه‌ای در حدود ۲۰۰۰ سال دارد (معماریان ۱۳۹۹، ۲۱). علاوه بر سنخیت نداشتن دستگاه ساخت معماری مسجد کبود تبریز با مساجد گونه بوسا در منطقه عثمانی، تفاوت‌های عمیق دیگری از جنبه سبک و شیوه‌شناسی ساخت در سازه‌ها، نماهای بیرونی و تزیینات نیز وجود دارد که این بنا را در طبقه آثار ایرانی جای می‌دهد. در ادامه به این موارد پرداخته می‌شود.

۲.۲. مسجد کبود تبریز؛ نمای بیرونی، سازه و تزیینات

بنای کبود تبریز، در به‌کارگیری مصالح و فنون اجرای طاق‌ها، چپیره‌سازی^۳ و طاق‌بندی‌های زیر گنبدخانه در بخش آرامگاه و مسجد، تمایز عمیقی با بناهای عثمانی ایجاد کرده و هم‌ذاتی‌اش با معماری ایرانی را تأیید می‌کند. در این میان برخی با استناد به مینیاتور مطراقچی (۹۴۰-۹۴۲ق) و کروکی شاردن (۱۰۸۴ق) از شهر تبریز، برای گنبدخانه اصلی مسجد کبود، گنبدی با ساقه استوانه‌ای بلند (گریو) و برای پوشش طاق‌های کلبوی مردگردهای جانبی، فرمی مشابه با گنبدخانه اصلی در مقیاسی کوچک‌تر، متصور شده‌اند (کبیرصابر، مظاهریان، و پیروی ۱۳۹۳). درحالی‌که به نظر می‌رسد به دلیل تشابه فراوان نیارشی مسجد شاه ولی تفت و مسجد کبود تبریز در ناحیه بَشَن^۴ و چپیره‌سازی و همچنین هم‌زمانی ساخت و ارتباط بسیار نزدیک بانیان آن، این دو مسجد دارای فرم گنبدی مشابه باشند (تصویر ۹). در مسجد شاه ولی، پوسته بیرونی گنبد، دارای ساقه‌ای کوتاه (اربانه) بوده و از لحاظ حجم بیرونی، گنبدخانه بر روی یک هشت‌ضلعی سوار است؛ هرچند برای اثبات این موضوع نیاز به شواهد و پژوهش‌های بیشتری است.



تصویر ۹: تشابه ساخت در ناحیه بَشَن و چپیره‌سازی زیر گنبدخانه مسجد کبود تبریز و مسجد شاه ولی تفت

به دلیل تخریب بخش‌های زیادی از مسجد کبود تبریز، حدس و گمان‌های فراوانی درباره نمای بیرونی مسجد وجود دارد. تنها قسمتی از نمای بیرونی که نسبتاً سالم باقی مانده، سردر ورودی است. سردر مسجد کبود تبریز به لحاظ سازه و تزیینات کاملاً ایرانی است و لباس بناهای شیوه آذری در دوره تیموری را بر تن دارد (تصویر ۱۰). نمای ورودی بناهای منطقه عثمانی و گونه بورسا از منظر مصالح، فرم کلی (رواق باز جلوخان) و جزئیات (ستون‌ها و سرستون‌ها) برگرفته از معماری بیزانسی است (Freely 2011, 39, 40, 50, 56).

از جنبه تزیینات، اغلب شواهد و نقل‌قول‌ها نشان از تأثیر فراوان معماران، کاشی‌کاران و خطاطان ایرانی و به‌ویژه تبریزی بر معماری مقابر، مساجد و کاخ‌های اولیه عثمانی داشته است. بدون اغراق، تبریزی‌ها در قرن هشتم و نهم هجری، از بهترین خطاطان و کاشی‌کاران منطقه بوده‌اند. با روابط دوستانه‌ای که جهان‌شاه قراقویونلو و پدرش با دولت عثمانی در زمان سلطان محمد اول، سلطان مراد دوم و سلطان محمد دوم برقرار کرد، هنرمندان تبریزی توانستند به انتقال دانش و تجربیاتشان در این مناطق بپردازند. برای نمونه مسجد یشیل در بورسا که از حیث کاشی‌کاری و مرمر‌کنده‌کاری‌اش، مشهورترین مسجد به شمار می‌رود، در فضای شاه‌نشین دارای کتیبه‌ای فارسی است که اتاق کاشی‌کاری‌شده شکوهمند با سقف زرین درخشانش را کار محمد غریب می‌داند. بر همین اساس، خود او بایستی

عده‌دار ساخت سکوها‌ی خطابه هم باشد، زیرا دارای سبکی یکسان هستند (گودوین ۱۳۸۸، ۷۹). گودوین به نقل از مانتران، پژوهشگر معماری ترکیه، کتیبه داخل دایره گنبد مسجد یشیل را کار علی حاجی احمد تبریزی و کتیبه نسخ باریک ستون راست محراب را اثر استادان تبریزی می‌داند (همان، ۶۵۶). ناگفته نماند مسجد کبود تبریز نیز در اجرای کفش کن‌های مجوف سنگی که در مساجد بورسا در اختلاف ارتفاع بین سطح گنبدخانه مرکزی و سطح ایوان‌های چهار طرف ایجاد می‌شده، از مساجد عثمانی اقتباس نموده است. در مسجد کبود، این جاکفشی‌ها در پایین‌ترین قسمت بشن گنبدخانه در اتصال به زمین اجرا شده و تا حدودی غیرمعمول به نظر می‌رسد (ویلبر و گل‌مبک ۱۳۷۴، ۵۸۵) درحالی‌که موقعیت قرارگیری و اجرای این عنصر کاربردی در مساجد بورسا کاملاً تعریف شده است.



تصویر ۱۰: مقایسه نمای سردر مسجد اورخان قاضی در بورسا متأثر از معماری بیزانسی. (https://www.mustafacambaz.com/details.php?image_id=25797 و سردر ورودی مسجد کبود تبریز که نمونه‌های متفاوتی از این ترکیب‌بندی در دوره تیموری وجود دارد.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۹

نتیجه

مقاله حاضر درصدد یافتن ریشه الگوی معماری مسجد کبود تبریز برآمد تا نشان دهد این بنا در دستگاه معماری ایرانی ایجاد شده یا معماری عثمانی. در این راستا، به صورت توأمان به تاریخ و جغرافیای بستر شکل‌گیری بنا و همچنین تحلیل دستگاه معماری و شیوه‌ای که مسجد کبود در آن شکل گرفته، پرداخته شد. در رویکرد و روش مطالعه تلاش شد تا بنا در نگاهی گسترده به معماری سرزمین و در ارتباط با زنجیره تداومی آن بررسی شود. یافته‌ها نشان داد تعامل و اشتراکات گسترده بین فرهنگ معماری ایران و عثمانی در ساخت بناهایی با ماهیت مذهبی - آرامگاهی وجود داشته و این موضوع در دوران تیموری قراقویونلو به بالاترین حد خود می‌رسد. اما اینکه برخی ریشه الگوی معماری مسجد کبود تبریز را در معماری مساجد گونه بورسا در عثمانی جست‌وجو می‌کنند، خلاف واقع است. مسجد کبود تبریز از لحاظ دستگاه ساخت معماری، کارشيو، حس فضا، کارکرد، سازه، نما و جزئیات، کاملاً ایرانی بوده و در تداوم گسترش بناهای گنبدخانه‌ای ایرانی شکل می‌گیرد. بیشترین ارتباط معماری بین مساجد عثمانی گونه بورسا یا مسجد کبود تبریز و برخی دیگر از بناهای دوره تیموری ایران، از جنبه تزیینات معماری است که در این مورد نیز غالباً استادکاران و کاشی‌کاران تبریزی و ایرانی با حضور در بورسا به کار در مساجد عثمانی پرداخته‌اند. اکثر نظریاتی که کوشیده‌اند مسجد کبود تبریز را در امتداد معماری گونه بورسا در عثمانی ببینند، با نگاهی تجزیه‌گر به معماری (تبدیل دستگاه و الگوی ساخت یک بنا به

پلان، نما و حجم و... و بر اساس قیاس‌های ظاهری در اجزاء، به میزانی از شباهت و افتراق بین مسجد کبود و بناهای عثمانی دست یافته و نتیجه‌گیری کرده‌اند. نگاه تجزیه‌گرا در تحلیل پسینی آثار معماری گذشته، با آنچه در واقعیت حین طرح‌ریزی و ساخت بناها اتفاق می‌افتاده (معماریان ۱۳۹۳، ۱۵۶)، به نظر تفاوت داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مساجد گونه بورسا (Bursa Type) یا مسجد صوفیان دسته‌ای از مساجد معماری عثمانی هستند که در شهر بورسا (نخستین پایتخت واقعی ترکان عثمانی) شکل گرفته و پلانی به شکل T معکوس دارند. درباره ریشه الگویی و ویژگی‌های کالبدی این گونه از مساجد، در ادامه مقاله به صورت مبسوط توضیح داده خواهد شد.
۲. مسجد سبز یا مسجد یشیل جامع واقع در بورسای ترکیه بوده و در بین سال‌های ۸۲۲ تا ۸۲۴ق در دوران چلبی محمدخان ساخته شده است (گودوین ۱۳۸۸، ۷۵). این مسجد دارای پلانی T شکل اما به شکل معکوس رو به شمال است.
۳. آنچه در این بخش آورده شده، خلاصه‌ای از نتایج یک پژوهش تاریخی از سرگذشت جهان‌شاه قراقویونلو و خانواده‌اش در دوران حکمرانی بر تبریز و ایران می‌باشد که توسط نگارنده اول انجام شده و در مرحله چاپ است. مطالب این بخش، بر اساس یک‌سری استدلال‌های تاریخی حاصل آمده و در این مقاله، فقط نتایج نهایی به اجمال بیان شده و مورد استفاده قرار گرفته است.
۴. نام اصلی مسجد کبود تبریز طبق کتیبه سردر ورودی عمارت مظفریه است (نخجوانی ۱۳۲۷، ۱۱). در زبان محلی به آن گوی مسجد نیز گفته می‌شود.
۵. غالی در لغت به معنای غلو کردن و بالا بردن بیش از حد هر چیز است. تشیع غالی نیز به دلیل غلو در اعتقادات و تفاوت در اصول و فروع با تشیع اثناعشری تعارض داشته و نمی‌توانسته مورد تأیید فقهای شیعه باشد (جعفریان ۱۳۸۵، ۷۷۲).
۶. برخی از مورخان نظیر محمدجواد مشکور (۱۳۵۲، ۶۵۳) با استناد به کتاب منشآت قاضی میبیدی که معاصر با قراقویونلوها و آق‌قویونلوها بوده، ساخت مجموعه خانقاهی مظفریه و مسجد کبود را به صالحه خاتون دختر جهان‌شاه نسبت داده‌اند؛ درحالی که توصیفات قاضی میبیدی در ارتباط با ساخت حمام و تعمیر و تکمیل مجموعه مظفریه توسط صالحه خاتون متعلق به دوران سلطان یعقوب آق‌قویونلو بوده است.
۷. میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا بایسنقر و نوه شاهرخ تیموری و گوهرشاد بیگم است.
۸. در برخی منابع تاریخی نظیر کتاب جامع مفیدی مستوفی باقی (۱۳۴۲) و تاریخ یزد عبدالحسین آیتی (۱۳۱۷)، پایه‌گذاری و ساخت مسجد شاه ولی را به خانش بیگم همشیره شاه طهماسب اول صفوی نسبت داده‌اند که به نظر صحیح نیست.
۹. در مصر تحت حکومت سلطنت مملوک‌ها که فرماندهانی ترک‌تبار بودند نیز تعداد فراوانی از مجتمع‌های خانقاهی و مذهبی-آرامگاهی ایجاد شد (Abouseif-Behrens 2008).
۱۰. برای مطالعه بیشتر سرگذشت نوادگان شاه نعمت‌الله ولی و طریقه نعمت‌اللهی، نک: مستوفی باقی ۱۳۴۲، ج. ۳: شیرازی ۱۳۳۹، ج. ۳؛ دهقانی تفتی و مردمی ۱۳۹۲.
۱۱. قاضی میبیدی، کاتب چلبی، اولیاء چلبی، مادام دیولافوا، تاورنیه و یحیی ذکاء تعدادی از مورخان و سیاحانی هستند که به توصیف مجموعه مظفریه تبریز پرداخته‌اند.
۱۲. ساخت این بنا در سال ۸۵۷ق در دوره حکومت قراقویونلوها در اصفهان به انجام رسیده و مادر جهان‌شاه نیز در این بنا دفن است.
۱۳. چپیره‌سازی اقداماتی است که در تبدیل چهارضلعی پایه‌های گنبدخانه به دایره، که محل قرارگیری گنبد است، انجام می‌شود.
۱۴. بَشَن به معنای بدنه است و بَشَن گنبد به حد فاصل برخاستن بنا از زمین تا زیر چپیره‌سازی گویند.

منابع

- آیتی، عبدالحسین. ۱۳۱۷. آتشکده یزدان (تاریخ یزد). یزد: گلبهار.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد. ۱۳۳۹. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. تصحیح و حواشی و تعلیقات محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.

- اوکین، برنارد. ۱۳۸۶. معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. باسورث، کلیفورد ادموند. ۱۳۸۱. سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- براون، ادوارد. ۱۳۳۵. تاریخ ادبی ایران. ترجمه علی پاشا صالح. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- بلر، شیلا اس، و جانانان بلوم ام. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان. ترجمه سید محمد موسوی گلپایگانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۳. سبک‌شناسی معماری ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: معمار.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۸۳. سفرنامه تاورنیه. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- جعفریان، رسول. ۱۳۸۵. تاریخ تشیع در ایران. قم: انصاریان.
- جمالی فر، مهدی. ۱۳۹۱. مقدمه‌ای بر شناخت جامعه علویان ترکیه از پیدایش تا ۲۰۰۹ م. تهران: امیرکبیر.
- حاجی قاسمی و دیگران. ۱۳۸۳. گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، ج ۶. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- حسن‌زاده، اسماعیل. ۱۳۸۸. حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو در ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حسینی، سید هاشم. ۱۳۸۸. بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی: بنا بر آراء ابوسعید ابوالخیر. هنرهای زیبا ۲۸: ۱۵-۲۴.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. ۱۳۳۳. حبیب‌السير فی اخبار افراد بشر. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه خیام.
- دهقانی تفتی، محسن، و کریم مردمی. ۱۳۹۲. بازتاب سیر مواجهه با تصوف نعمت‌اللهی در معماری مجموعه خانقاهی- زیارتگاهی شاه ولی تفت. پژوهش‌های معماری اسلامی ۱ (۱): ۱۳۹-۱۵۸.
- دیولافوا، ژان لژیون، و افسر اکادمی. ۱۳۶۹. ایران: کلد و شوش. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی. ۱۳۶۸. شهرهای ایران. تألیف محمدیوسف کیانی. چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری انتشارات جهاد دانشگاهی.
- روملو، حسن. ۱۳۴۹. احسن التواریخ. به‌اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۶. تبریز: خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمرقندی، عبدالرزاق. ۱۳۷۲. مطلع سعدین و مجمع بحرین. به‌اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سومر، فاروق. ۱۳۹۰. تاریخ غرها (ترکمن‌ها): تاریخ، تشکیلات طایفه‌ای و حماسی. ترجمه وهاب ولی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیدی، مهدی. ۱۳۷۸. تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه). تهران: جامی.
- شاهمرادی، سید مسعود، و اصغر منتظرالقائم. ۱۳۹۲. تشیع قراقویونلوها (۷۸۰-۸۷۲ق). پژوهش‌های تاریخی ۵ (۱): ۴۹-۷۲.
- شیرازی، محمد معصوم. ۱۳۳۹. طرائق الحقائق. تصحیح محمدجعفر محجوب. تهران: کتابخانه بارانی.
- شیمیل، آن ماری. ۱۳۸۴. تصوف و حیات معنوی در ترکیه. ترجمه امیر جوان آراسته. هفت آسمان ۲۵: ۲۲۹-۲۴۰.
- طهرانی، ابوبکر. ۱۳۵۶. دیار بکریه. به‌کوشش نجاتی اوغال و فاروق سومر. تهران: طهوری.
- قریشی، سید حسن. ۱۳۸۵. برخورد دو تفکر در عصر صفوی. ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام ۸: ۶۶-۵۰.
- کاتب، احمد. ۱۳۵۷. تاریخ جدید یزد. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- کبیرصابر، محمدباقر، حامد مظاهریان، و مهناز پیروی. ۱۳۹۳. ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز. مطالعات معماری ایران ۶ (۲): ۵-۲۳.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین. ۱۳۴۴. روضات الجنان و جنات الجنان. تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرائی. تهران: بنگاه

- ترجمه و نشر کتاب.
- کست، پاسکال. ۱۳۹۰. *بناهای دوره اسلامی ایران*. ترجمه آتوسا مهرتاش. تهران: متن.
- کوپریلی، محمدفؤاد. ۱۳۸۵. *صوفیان نخستین در ادبیات ترک*. ترجمه و توضیح توفیق سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کیانی، محسن. ۱۳۶۹. *تاریخ خانقاه در ایران*. تهران: طهوری.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۹. *معماری ایران دوران اسلامی*. تهران: سمت.
- گروه، هوگو. ۱۳۶۹. *سفرنامه گروه*. ترجمه مجید جلیوند. تهران: مرکز.
- گودوین، گادفری. ۱۳۸۸. *تاریخ معماری عثمانی*. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: متن.
- لباف خانیکی، رجبعلی، و فرامرز صابرمقدم. ۱۳۸۵. *مساجد در خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی)*: از آغاز تا دوران معاصر. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- مستوفی بافقی، محمدمفید. ۱۳۴۲. *جامع مفیدی (تاریخ یزد)*. تصحیح ایرج افشار. تهران: اسدی.
- مشکور، محمدجواد. ۱۳۵۲. *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. تهران: انجمن آثار ملی.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: سروش دانش.
- _____. ۱۳۹۳. *مبانی طراحی معماری*. تهران: نغمه نواندیش.
- _____. ۱۳۹۹. *معماری ایرانی دستگاه‌شناسی*. تهران: گلجام.
- منشی، اسکندربیک. ۱۳۶۶. *عالم‌آرای عباسی*. تصحیح سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
- میبیدی، حسین بن معین‌الدین. ۱۳۷۶. *منشآت میبیدی*. تصحیح و تحقیق نصرت‌الله فروهر. تهران: نقطه.
- میرجعفری، حسین. ۱۳۸۴. *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*. تهران: سمت.
- میرزائی، نداء و سعید خاقانی. ۱۳۹۴. *بررسی تاریخی مسجد شاه مشهد*. خراسان بزرگ ۲۰: ۴۳-۵۶.
- نادر میرزا. ۱۳۷۳. *تاریخ و جغرافی دار السلطنه تبریز*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: ستوده.
- نجفلو، توفیق. ۱۳۹۰. *قاراقویونلوها و آغ‌قویونلوها*. تبریز: اختر.
- نخجوانی، حسین. ۱۳۳۸. *ترجمه و تلخیص سیاحتنامه اولیا چلبی*. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۵۰: ۳۰۱-۳۶۱.
- _____. ۱۳۲۷. *مسجد کبود تبریز یا عمارت مظفریه*. نشریه پژوهش‌های فلسفی ۳: ۱۱-۲۰.
- نهاوندی، عبدالباقی. ۱۳۱۰. *مآثر رحیمی*. تصحیح محمدهدایت حسین. کلکته: بیتس مش.
- ویلبر، دونالد، و لیزا گلمبک. ۱۳۷۴. *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه محمدیوسف کیانی و کرامت‌الله افسر. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هنرفر، لطف‌الله. ۱۳۶۳. *اصفهان در دوره جانشینان تیمور*. در *معماری ایران*. گردآوری آ - جوادی. ۴۹۸-۵۱۰. تهران: خوشه.
- هیلن برند، روبرت. ۱۳۹۱. *معماری اسلامی: شکل کارکرد و معنی*. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- ینانچ، مکرمین خلیل، و وهاب ولی. ۱۳۷۵. *جهانشاه قراقویونلو*. فصلنامه فرهنگ ۹ (۳): ۲۹۱-۳۴۷.
- یت، چارلز ادوارد. ۱۳۶۵. *سفرنامه خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.
- Behrens-Abouseif, Doris. 2008. *Cairo of the Mamluks: A History of Architecture and Its Culture*. New York: Macmillan.
- Esin, Emel. 1980. *A history of pre-Islamic and early-Islamic Turkish culture* (Vol. 1). Handbook of Turkish Culture.
- Freely, John. 2011. *A history of Ottoman architecture*. Boston: WIT Press.
- Kuran, Aptullah. 1968. *The mosque in early Ottoman architecture*. Chicago and London: The university of Chicago Press.

- Kropf, Karl s. 2001. Conceptions of change in the built environment. *Urban Morphology* 5(1): 29-27.
- Kuban, Dogan. 2006. *Osmanli Mimarisi*. Istanbul.
- Mantran, Robert. 1952. Les inscriptions arabes de Brousse. *Bulletin d'études orientales* 14: 87-114.
- Moudon, Anna Vernez. 1997. Urban morphology as an emerging interdisciplinary field. *Urban Morphology* 1(1): 3-10.
- https://www.mustafacambaz.com/details.php?image_id=25797



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۲۳